

دردی بدتر از مُردن!

۱۳ مرداد ۱۳۹۳ ساعت ۱۶:۰۴

ای غزه! ببخش اگر تنمان چونان تو زخمی نیست، اما اگر از دلمان بپرسی به سان کودکانی که زیر بمب‌های خصم تکه تکه شده‌اند، پاره پاره است؛ باور کن که خون دل خوردن بسی دردناکتر است تا خونی که جاری است.

همزمان با حملات گسترده رژیم صهیونیستی به غزه و بلاگ‌نویسان کشورمان نیز دست به قلم شده‌اند و از مقاومت مردم مظلوم غزه حمایت می‌کنند. و بلاگ دادگاه انقلاب اسلامی نوشت: ای غزه! ما را ببخش؛ امروز بایستی سلاح بر دوش می‌انداختیم اما به چفیه بسنده کرده‌ایم.

ببخش ما را اگر نمی‌توانیم به قدر دیواری هم روبروی کودکان بایستیم تا تیرهای خصم ما را پیش از کودکان نشانه بگیرد.

ببخش اگر تنمان چونان تو زخمی نیست، اما اگر از دلمان بپرسی به سان کودکانی که زیر بمب‌های خصم تکه تکه شده‌اند، پاره پاره است.

اگر از ما بپرسی که خونمان چرا جاری نیست، باور کن که خون دل خوردن بسی درناکتر است تا خونی که جاری است.

ما را ببخش اما یقین کن که حتی اگر یک کودکت زنده بماند، وعده الهی در وراثت مستضعفان بر زمین تحقق خواهد یافت.

و آن روز روزی است که آفتاب عدالت طلوع خواهد کرد و قدس شریف به سان مردمان دربندت آزاد می‌شود.

و ما اما امت رمضانیم، امت عاشورا... هیهات که قطره‌ای خون در پیکره امت باشد و بر ظلم نشورد.

غزه مقاوم، اکنون دیگر غزه‌ای گمنام نیست؛ سرزمینی است که اسطوره‌های مقاومت امت و پاره‌های تنم در آنجا ساکن‌اند؛ غزه خط مقدم انسانیت است.

قلب مادر این شهید نوزاد چگونه می‌تپد؟!

چه کسی می‌داند آوار بمب بر سر طفل شیرخواره‌ای که نه مفری دارد و نه پایی برای فرار، نه پناهی و نه حتی گناهی که مستوجب مرگ باشد، با قلب مادرش چه می‌کند؟ و با قلب مضطر پدری که پناهی بر اهل خانه‌اش نیافته است؟

چه کسی می‌داند، در دل کودکی که از مادر، پدر و خواهر و برادرانش، و دوستان و آشناها، تنها جنازه‌هایی خونین برایش مانده است، چه می‌گذرد؟!

چه کسی می‌داند خمپاره‌ها، بمب‌ها و موشک‌ها با خانه‌ای که در آن، پیرمرد و پیرزنی نگران از نوه‌هایشان، آنها را در آغوش خود یعنی تنها جایی که فکر می‌کنند می‌تواند امن‌تر از دیگر جاها باشد فشرده‌اند، چه می‌کند؟! و با اهالی خانه‌اش؟

چه کسی می‌داند انتظار لحظه لحظه مرگی که تا خانه همسایه‌ها و تا کنار اتاق‌های خانه آمده است، و همه خوبی‌ها و خوشی‌ها را دارد می‌برد، یعنی چه؟

چه کسی می‌داند در غزه و در شب‌های تاریک آن و در خانه‌هایش و در قلوب تک تک انسان‌هایی که یورش گفتارها و لاشخورها، بر امیدشان به زندگی هجوم برده است چه می‌گذرد؟! فقط خدا می‌داند آنجا چه خبر است.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۳۵۰۶۸/م-جدت-درد-۶۸۰۳۵>